

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

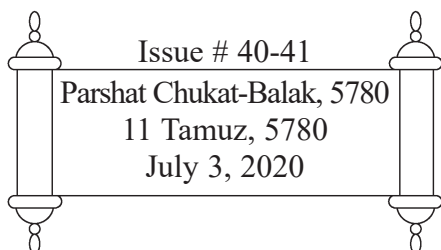
\*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, July 3, Light Shabbat Candles, by 7:50 p.m.

Saturday, July 4, Shabbat ends at 8:53 p.m.

(Times are for Los Angeles)

**JEWISH CHILDREN:**  
Get your own letter  
in a Sefer Torah!  
<http://www.kidstorah.org>



**E-Z Office Machines**  
LA's Eazy Office Solution

**In Business Since 1990**

**SALE • SERVICE • REPAIR  
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC  
310-557-0702  
FREE PICK-UP  
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035  
[www.ezofficemachines.com](http://www.ezofficemachines.com)

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF  
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:  
CPY & Moshiach Awareness Center,  
Chabad Persian Youth a Project of:  
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.  
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.  
Tel.: (310) 777-0358 Los Angeles, CA 90036  
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 \* Fax: (323) 934-7092  
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>  
e-mail: [cpycenter@sbcglobal.net](mailto:cpycenter@sbcglobal.net) e-mail: [yys@torah4blind.org](mailto:yys@torah4blind.org)  
Rabbi Hertzel Peer, Executive Director Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director  
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

## حُقَّت

پاراشای این هفته با موضوع گاو قرمز آغاز میشود. موضوع عجیبی که هدف آن طاهر کردن کسانی است که به نحوی با شخص مرده در تماس بوده اند. گاو قرمز سوزانده شده و خاکستر آن با آب مخلوط شده و بر کسانی که آلوده بوده اند پاشیده می شود. اما معما در این است که اگر چه این خاکستر آنها را طاهر میکرد اما تمامی کسانی که در دست کردن آن شرکت داشتند را طامه و آلوده می کرد. و بخاطر همین است که این پاراشا "حُقَّت" خوانده شده است که به معنای قوانینی است که هیچگونه علتی را برای آن نمی توان ارائه داد. و این توضیحی است که راشی برای کلمه "حُقَّت" عنوان میکنند. و این مبحث با اشاره به این موضوع ادامه میدهد که اگر "حَقیم" را بدو دسته تقسیم کنیم. این توضیح راشی قابل درک می باشد.

To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095

### ۱- بررسی توضیح راشی

و خداوند به مشه و اهرن اینطور سخن گفت. این است قانون تورا - زوت حُقَّت هتورا - که خداوند اینگونه دستور داده است.<sup>۱</sup> راشی کلمات "این است قانون تورا" را به این ترتیب تفسیر می کند.

"از آنجا که ساطان و ملت های دنیا یسرائل ها را مورد سئوال قرار میدهند و می پرسند "این میصوا ها چیست و علت آنها چه می باشد به همین علت آنها را خوقیم نامیده است به این معنی که این قوانین، امر صریح من هستند و توحق نداری در مورد آنها بررسی کنی". اما مسائلی در این جا مطرح می شود.

(الف) - از این کلمات راشی که "به همین علت آنها را "حَقیم" نامیده است" اینطور برمی آید که او قصد ندارد که کلمه "حُق" را توضیح دهد کاری که در پاراشاهای قبلی، از جمله در<sup>۲</sup> بمیدبار انجام داده است.<sup>۳</sup> او مطمئن است که خواننده اش معنای این کلمه را بخوبی میداند بلکه بیشتر اینطور بنظر او میرسد که راشی می خواهد این حقیقت را توضیح بدهد که وجود کلمه "حُقَّت" ظاهرا اضافه و بی مورد بوده است برای آنکه کلمات "این است تورا" (زوت هتورا) کافی بنظر می آید.

**Aish Tamid**  
**Parshat Chukat-Balak, 5780**

و اگر اینطور است لا اقل راشی می بایست توضیح کوتاهی در این مورد میداد پس چگونه است که راشی به تفصیل در مورد "ساطان" و "ملت های دنیا" توضیحاتی عنوان میکند که قبلا چندین مرتبه آنها را ذکر کرده است ولی در این مورد اصلا توضیحی نمیدهد؟

(ب)- همچنین تفاوت های متعددی مابین جواب راشی در اینجا و در جاهای قبل دیده می شود که قابل توضیح است. در بسیاری از توضیحات راشی از کلمه "غریزه بد" (بصره راع) استفاده شده که این غریزه بد (بصره راع) اعتراض می کند <sup>۴</sup> و آزار میدهد <sup>۵</sup> ولی در اینجا از کلمه "ساطان" استفاده شده که شخص را مورد سؤال قرار میدهد. در بسیاری از توضیحات راشی، شخص ممنوع است که خودش را از انجام حقیق <sup>۶</sup> معاف کند ولی در اینجا او حق ندارد که آنها را مورد بررسی قرار دهد.

(ج)- چنانچه علت هایی که در بالا آوردیم درست باشد توضیح راشی تنها منحصر به اضافه بودن ظاهری کلمه "حقت" <sup>۷</sup> می شود پس چرا در اولین کلماتی که راشی می خواهد در مورد آنها توضیح بدهد کلمات "زوت حقت هتورا" آمده است و فقط به کلمه "حقت" اکتفا نشده است اینطور بنظر می آید که او می خواسته در مورد تمامی این کلمات توضیح بدهد.

## ۲- منطق و ورای منطق

توضیح از این قرار است :

از کلمات -این است قانون تورا (زوت حقت هتورا)- اینگونه مستفاد می شود که قانون "پارا آدوما"، گاو قرمز، تنها "حقی" است که در تورا موجود است. در حالیکه اینطور نیست. حقیق دیگری نیز وجود دارند از جمله خوردن گوشت خوک، پوشیدن لباس مخلوط از پشم و کتان و غیره. <sup>۸</sup> بنابراین ما می توانیم نتیجه بگیریم که نوع بخصوصی از "حقیق" وجود دارد که "پارا آدوما" قانون گاو قرمز مثالی از آن است به عبارت دیگر دو نوع حقیق وجود دارد.

۱- نوع اول آنهایی هستند که در اصول بوسیله عقل انسانی و منطق قابل درک هستند اما جزئیات آنها خارج از درک منطق انسانی است.

۲- نوع دوم آنهایی هستند که کلاما خارج از محدوده درک انسانی قرار دارند.

به این ترتیب جمله "این است قوانین تورا" به ما این مفهوم را میرساند که تنها قوانین مربوط به

**To Place Your Advert**  
**Here:**  
call (323) 934-7095

۴- برشیت ۵-۲۶ بیقرا ۴-۱۸  
۵- شموت ۲۶-۱۵  
۶- و بیقرا ۴-۱۸  
۷- تفسیر راشی فقط بالغت و کلماتی شروع می شود که اما مایل است درباره آنها توضیح بدهد  
۸- راشی برشیت ۵-۲۶

برعکس به نیرویی بالاتر از تورا احتیاج است که یک فرد یهودی می تواند بوسیله توبه و تشووا آنرا بدست آورد. این توبه و تشووا حتی گناهان عمدی را به امتیازات روحانی و برعکس تبدیل می کند. همانگونه که در مورد زمیری که با عمل خود مقدس ترین ها را به ناپاک ترین ها تبدیل کرد.

مجازات گناه می بایست با عمل گناه مناسبت داشته باشد و از آنجا که زمیری در حال سوء استفاده از قدرتی بود که بالا تر از قدرت تورا قرار داشت، او نمی توانست بوسیله نمایندگان تورا یعنی بت دین مجازات بشود بلکه می بایست بوسیله شخص که رابطه اش با خداوند بالاتر از تورا می بود یعنی شخص پینحاس غیرتمند مجازات بشود.

تورا مرزهایی را در مورد خوب و بد، مجاز و غیر مجاز، بیسرائل و ملت های دیگر تعیین می کند ولی فرد یهودی منابعی را در روح خود موجود دارد که می تواند با استفاده از آنها از این مرزها برای بهتر شدن و یا بدتر شدن عبور کند و یا بوسیله آنها ذره های تقدس را از ناپاک ترین مرزهای نامقدس نجات دهد...

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 8, pp. 150-158)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد هشتم ص ۱۵۸ تا ۱۵۰)

"پاراادوما" هستند که متعلق به نوع دوم می باشند.  
بنابراین زمانی که راشی مثال هایی (از سفر ویقرا) <sup>۹</sup> در مورد حقیق می آورد و گوشت خوک و پشم و کتان و آب های طاهر کننده را توضیح میدهد او در مورد "پاراادوما" سکوت می کند چرا که "پاراادوما" موضوعی است کاملاً متعلق به گروه و دسته دیگری از قوانین .

آب های طاهر کننده (آبی که با خاکستر گاو قرمز مخلوط شده است) عملکردش بطور منطقی قابل درک است . همانگونه که بسیار منطقی است که بپذیریم آب های میقوه قدرت طاهر کنندگی دارند. آب های طاهر کننده نیز بطور مشابه همان تاثیر را دارند و بنابراین راشی هرگز آنرا در زمره "حقیق" عنوان نکرده است . تنها تفاوت آنها این است که تنها قطره ای از آب طاهر کننده، برای پاک کردن روحانی انسان کافی است ولی در مورد میقوه انسان باید کاملاً در آن فرو برود و بنابراین این آب ها در زمره اولین گروه حقیق قرار میگیرند که تا حدودی منطقی می باشند. اما قوانین پارادوما کاملاً خارج از منطق انسانی است . پارادوما نمی تواند صرفاً به عنوان یک قربانی سوختنی توضیح داده است بخاطر آنکه :

- ۱- هیچ قسمتی از آن بر بالای مذبح تقدیم نمی شود <sup>۱۰</sup>
- ۲- تمامی کارهای مربوط به "پاراادوما" در خارج از سه اردوگاه انجام میشود در حالی که تمامی قربانی ها میبایست در داخل اردوگاه انجام بگیرد.  
"پاراادوما" حتی شبیه به گوسفند از ازل هم نمی باشد. <sup>۱۱</sup> گوسفندی که مراسم مربوط به آن ابتدا در داخل اردوگاه انجام میشد و در مورد آن در تورا توضیح داده شده است. <sup>۱۲</sup>  
علاوه بر این ها "پاراادوما" دارای مشخصات بخصوصی بود که گوسفند از ازل آنها را نداشت.
- ۱- پارادوما می بایست بوسیله نماینده کهن گادول قربانی بشود <sup>۱۳</sup>
- ۲- خون آن می بایست هفت مرتبه به طرف جلو پرده چادر و عده گاه <sup>۱۴</sup> پاشیده شود.
- ۳- این قربانی به عنوان قربانی گناه خوانده میشد که نشان دهنده تقدس آن بود . <sup>۱۵</sup>  
بطور خلاصه "پاراادوما" متعلق به گروه اول "حقیق" نمی باشد برای آنکه حتی بطور نسبی هم قادر به درک آن نیستیم .

### ۳- خداوند و انسان

با روشن شدن این مطلب حالا ما می فهمیم که چرا راشی از کلمه "ساطان" بجای "غریزه بد"

۹- همان مرجع ۱۰- راشی ۳-۱۹ ۱۱- ویقرا ۱۶ ۱۲- همان مرجع ۲۲

۱۳- راشی بمیدبار ۳-۱۹ ۱۴- همان مرجع ۴-۱۹ ۱۵- راشی همان مرجع ۹-۱۹

(بصرهاراع) و از کلمه "مورد سؤال قرار داده" بجای کلمه "اعتراض کردن" و از کلمه "توحق نداری" بجای کلمه "ممنوع بودن از معاف شدن در انجام آنها" استفاده می کند. که در تفسیرهای دیگر کلمه حَق این موضوع دیده نمی شود.

واضح است که دانش و عقل خداوند بالا تر از عقل انسانی است. بنابراین اگر خداوند به ما گفته است که بعضی قوانین و فرمانها بوسیله انسان قابل درک نیستند غریزه بد انسان به هیچ عنوان نمی تواند از غیر قابل درک بودن آنها این نتیجه را بگیرد که آنها الهی نیستند. برای آنکه اصولاً چطور و چگونه انسان فانی و محدود می تواند خدای بی نهایت را درک کند؟ اما زمانی که فرمانی تا حدودی برای درک انسان باز است غریزه بد و ملت های دنیا تا حدودی زمینه هایی برای بحث و اعتراض کردن بدست آورده و عنوان می کنند که این قوانین الهی نیستند برای آنکه بنظر آنها چگونه خداوند می تواند فرمانی را بدهد که از یک طرف منطقی انسان آنها را درک می کند و از طرف دیگر آنها را درک نمی کند. بنابراین آنها عنوان می کنند که این فرامین الهی و خدایی نیستند و بیسرائل ها نمی بایست آنها را انجام بدهند.

اما از آنجا که "پاراادوما" کاملاً خارج از محدوده درک انسانی است نمی تواند بوسیله غریزه بد و یا ملت های دنیا مورد تکذیب قرار بگیرد. آنها در نهایت می توانند فرد یهودی را با این مطلب که "معنای این موضوع برای تو چیست و علت آن چیست" مورد سؤال قرار بدهند. آنها می گویند که کلام خداوند را می بایست قبول کرد و انجام داد ولی در انجام این امر شما کاری را انجام می دهید که برای عقل انسان کاملاً بی معنی و غیر منطقی است.

به همین علت راشی کلمه "ساطان" را بجای "غریزه بد" استفاده می کند چرا که این سؤال آزار دهنده<sup>۱۶</sup> فقط زمانی به فکر انسان میرسد که او در حال انجام این میصوا است و هدف از این سؤال آن نیست که او را متقاعد کند که او آنها را انجام ندهد.

و به این ترتیب راشی کلمه "تو حق نداری در مورد آنها بررسی کنی" را بجای "ممنوع است که خودت را از انجام این فرمان معاف کنی" استفاده می کند چرا که معافیت در این مورد وجود ندارد و انسان می بایست آنها را با شادی و خوشحالی انجام دهد درست مثل اینکه شخص آنها را کاملاً درک می کند و می فهمد.

علت آن است که همانگونه که راشی ادامه میدهد "پاراادوما" "حقی" ایست از طرف خداوند و خود خداوند به ما می گوید که در مورد درک منطقی آن خود را آزار ندهیم و آنها را فقط بخاطر

۱۶) کلمه "ساطان" به معنای به در دسر انداختن و نراحتی ایجاد کردن است (رجوع شود به بمیدبار ۲۳-۲۲ و ۲۲ و کتاب اول پادشاهان ۱۴-۱۱)

که این گناه بیسرائل ها که از مرزی که خداوند برای آنها مقرر کرده بود تجاوز کرده بودند، کفاره بشود. پس بنابراین به او پاداش کهنانت داده شد به این معنا که او هم از مرزهایی که خداوند مابین کهن ها و بیسرائل ها تعیین کرده بود گذر کرد و به مقام کهنانت رسید.

## ۵- تداوم خطا

حالا مادرک می کنیم که چرا خطا و گناه این عمل نامشروع فقط در زمان انجام این عمل وجود دارد. در همه اعمالی دیگری که فرد یهودی انجام میدهد، حتی آنها که ممنوع هستند. تقدس یک فرد یهودی به حال خود باقی می ماند به همین علت است که می تواند آنها را بوسیله تشوا پاک کند. حتی در مورد روابط نامشروع مابین بیسرائل ها هم فرزندی که موجود می شود اگر چه فرزندی نامشروع است ولی هنوز مقدس است و عضوی از اعضاء جامعه یهودی به حساب می آید. در این مورد تقدس وجود دارد (ولی در محدوده نامشروع گرفتار و زندانی شده است). اما وحدت جنسی بازن غیر یهودی، شخص خطاکار را از قدوسیت اش جدا می کند و بنابراین خطا و گناه با این عمل گره می خورد و به این عمل وابسته می شود و با این عمل تمام می شود دقیق تر بگوئیم.

الف - به عنوان یک عمل ممنوع که شامل تمامی توانایی های انسان می شود این عمل در خود تمامی اثرات خطاهای دیگر را هم در بردارد و مجازات آن قطع وابستگی روح به خداوند و کارت می باشد.

ب : به عنوان یک عمل منحصر بفردی که قدرت های الهی و اساسی فرد یهودی را به قلمرو نامقدس و طوما منتقل می کند مجازات آن مرگ است. و از آنجا که گناه این عمل در طی انجام این عمل ایجاد می شود و نه بعد از آن بنابراین مجازات این عمل نیز می بایست در لحظه انجام خود این عمل انجام بشود و یا هرگز نمی توان آنها را مجازات کرد.

## ۶- وظیفه و پاداش شخص غیرت مند

چگونه است که مرگ این شخص باید بوسیله شخص غیرت مند انجام بشود و نه بوسیله بت دین؟ آزادی انتخابی که خداوند از طریق تورا به انسان داده است. آزادیست، بین انتخاب "خوب و بد، مرگ و زندگی". و نه<sup>۲۳</sup> تبدیل خوب به بد و یا بد به خوب برای تبدیل بد به خوب و

است و در طول زندگیش نتوانسته است آنها را ظاهر کند. بوسیله این وحدت جنسی که از تمامی ذات او حاصل می شود او فرزندی را ایجاد کند که توانایی هایی بالاتر و بهتر از خود او داشته باشد.

به این ترتیب یک وحدت جنسی نامشروع به معنای انتقال ذات اصلی و درونی فرد به قلمرو و محیطی است که قانونی و مشروع نمی باشد و این همانند گناهان دیگر نیست که فقط قسمتی از توانایی ها و استعداد های انسان را شامل می شود. و از این مهمتر وحدت جنسی با یک زن غیر یهودی گناهی بزرگتر از هرگونه گناه دیگر می باشد.<sup>۱۸</sup> چرا که این عمل تجاوزیست به حد و مرزی که خداوند مابین یهودیان و دیگر ملل دنیا قرار داده است. (مرز و حدی که به قول میدارش همچون مرز وحدتی است که مابین شب و روز وجود دارد). فرد یهودی که در میان قومش خطا می کند هنوز یک فرد یهودیست و فرزندش هم اگر چه قانونی و مشروع نیست ولی هنوز یهودیست و<sup>۱۹</sup> می تواند مقامی بالاتر از کهن گادول هم از نظر احترام و دانش تورا بدست بیاورد<sup>۲۰</sup> اما کسی که با یک زن غیر یهودی گناه می کند فرزندی تولید می کند که یهودی نیستند و تمامی قدرتش و نیروی روحانی اش را در این عمل استفاده کرده است. در واقع موضوع از این هم مهمتر است چرا که تولد یک عمل معجزه آساست همانگونه که تلمود می گوید<sup>۲۱</sup> در "ایجاد انسان سه عامل یا شریک دخیل هستند. مادر، پدر و خداوند که به انسان روح می بخشد". حتی به عنوان یک عمل فیزیکی تولد یک پدیده معجزه آساست و به این ترتیب ما معنای واقعی عمل پینحاس که تورا در مورد او می گوید "او برای خداوندش غیرت ورزید" را درک می کنیم برای آنکه با این عمل زیمیری، ذات واقعی خداوند در قلمرو گناه قرار می گرفت.

اما اگر تفاوت ما بین یسرائل ها و اقوام دیگر یکی از قوانین طبیعی است که خداوند مقرر کرده است آیا ممکن است که این قوانین را زیر پا گذاشت. جواب آن است که<sup>۲۲</sup> انتخاب آزاد انسان به او این امکان را میدهد که همچون خداوند بتواند راهش را انتخاب کند همانطور که در تورا آمده است "اینک انسان همچون یکی از ما شده است". حتی اگر چه این عمل عبور و گذر و شکستن مرزهایست که خداوند قرار داده است، انسان می تواند همچون خداوند که محدود و مقید به هیچگونه قوانین طبیعی نمی باشد چنین عملی را انجام دهد.

و از آنجا که پاداش انسان با عملی که کرده است در رابطه است، پینحاس با عمل خود باعث شد

۱۹- بمیدبار ربا ۱۸ شموت ربا ۱-۲۶

۱۸-رمبام هیلخوت ایسوری بی ۷-۱۲

۲۰- هوریوت ۱۳ الف ۲۱- قیدوشین ۳۰ ب ۲۲- ریبام هیلخوت تشورا آغاز فصل پنجم - برشیت ۲۲-۵

آنکه دستور خداوند است انجام بدهیم و این تنها طریقی ایست که میتوان آنرا بدرستی انجام داد. اینک، ما درک می کنیم که چرا راشی تمام کلمات و "این است قانون تورا" را به عنوان کلمات آغازین تفسیر خود عنوان می کند برای اینکه این فرمان "حَق" از تمامی فرمان های "حَق" دیگر تورا متفاوت است و این چیز است که اهمیت تفسیر راشی را مشخص تر می کند.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد پنجم صفحات ۱۲۳ الی ۱۲۷) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 8, pp. 123-127)

## بالاق

پاراشای این هفته شرح ماجرای روابط نامشروع بیسرائل ها با زنان اقوام اطراف شان می باشد. اوج این ماجرا زمانی است که زیمیری در جلوی چشم مشه و مردم بازن میدیانی همبستر می شود و پینحاس نوه اهرن غیرت ورزیده و هردو را می کشدو بخاطر این عمل او به مقام کهنی رسیده و مجازات بیسرائل ها متوقف می شود. از نحوه بیان این ماجرا و تفسیرات تلمود و راشی اینگونه می توان درک کرد که این گناه یک گناه معمولی نبوده بلکه این عمل پینحاس یک عمل روحانی بوده است. این بحث این موضوع را بررسی کرده و دیدگاه تازه ای را در مورد فلسفه گناه، فلسفه پاداش و جریمه بر روی ما می گشاید.

### ۱- غیرت ورزی پینحاس

«و وقتی که پینحاس .... این موضوع را دید. از میان جماعت بلند شد و نیزه ایی در دست گرفت»<sup>۱</sup>.  
راشی از قول تلمود<sup>۲</sup> در این مورد میگوید که «پینحاس این عمل زشت را دید و یکباره هلاخا بیادش آمد و به مشه گفت «من مطلبی را سنت وار از تو آموخته ام که مردان غیرت مند می توانند کسی را که روابط جنسی با زنان «هیتی» دارد را بکشند» حتی اگر چه این قانون بطور صریح در تورا نیامده است ولی معهدا می توان آنرا از مطالب تورا نتیجه گرفت بخصوص از ماجرای پینحاس که زیمیری را به قتل رساند.<sup>۳</sup>  
حال ما می توانیم درک کنیم که چرا تورا می گوید و پینحاس هردو آنها را کشت. مرد بیسرائلی و زن را در ناحیه زیر شکم<sup>۴</sup> که در این مورد راشی توضیح میدهد «او نیزه را درست در ناحیه قسمت های مردانه و زنانه بدن آنها فرو برد تا همه بتوانند ببینند که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است. سؤال در این است که چه لزومی داشت که تورا توضیح بدهد که پینحاس نیزه اش را در کدام قسمت بدن آنها فرو برد؟ و چه لزومی داشت که پینحاس به بیسرائل ها نشان بدهد که عملش عادلانه و درست بوده است؟ مگر نه اینکه تلمود به ما می گوید که زیمیری بصورت واضح و مشخص در جلو مشه دست به این عمل زد؟ علت این که تورا این

۱-بمیدبار ۷-۲۵ ۲-سهدرین ۸۲ الف ۳-رمبام هیلخوت ایسوری بی آ ۴-۱۲ ۴-بمیدبار ۸-۲۵

انجام عمل گناه؟ و این سؤال ما پیچیده تر هم می شود چرا که در تلمود میگوید که این عمل گناه مجازات قطع روح را هم بدنبال خود دارد (کارت) یعنی حتی بعد از مجازات محکوم اثرات گناه هنوز باقی می ماند به این ترتیب چاره ای نیست که بگوئیم که این گناه دارای دو جنبه است جنبه اول آنکه اثرات گناه هنوز باقی می ماند که مجازات آن «کارت» می باشد و جنبه دوم آن که اثرات گناه فقط در زمان انجام گناه باقی است که مجازات آن مرگی است که بدست شخص غیرت مند انجام می شود.

### ۴- بزرگترین گناهان

برای درک بهتر این مطلب ما می بایست ببینیم که تورا در مورد پینحاس چه می گوید «بنابراین من پیمان صلح و سلامتی ام را به او میدهم. او و دزیت بعد از او آترا خواهند داشت. پیمان کهنات برای ابد، چرا که او بخاطر خداوند غیرت ورزید»<sup>۱۲</sup>.  
این مطلب ایجاد دو مشکل می کند.

الف- از نوع کلمات پاسوق تورا «چرا که او بخاطر خداوند غیرت ورزید» و «وقتی که او با غیرت من غیور شد»<sup>۱۳</sup> مشخص می شود که این گناه (روابط ممنوع با زنان غیر) برای خداوند بسیار مهم و از دیگر گناهان متفاوت است همانگونه که راشی می گوید «پینحاس خشم و تعصبی را نشان داد که من (خداوند) می بایست نشان میدادم». «چرا این گناه بخصوص، از همه گناهان دیگر مهم تر است؟

ب- پینحاس بخاطر غیرت ورزیدنش مسلما سزاوار پاداش بزرگی بود. ولی چرا کهنات؟ کهناتی که مخصوص اهرن و پسرانش بود و به عنوان یک کیفیت طبیعی تا به ابد منتقل می شد «به قول راشی»<sup>۱۴</sup> همچون روز و شب که کیفیت طبیعی زمان است و تا به ابد منتقل می شود» و چگونه او ناگهان می توانست کهن بشود؟<sup>۱۵</sup>

توضیح این است که در میان تمامی گناهان داشتن روابط ممنوع جنسی با زنان غیر، بزرگترین گناهان<sup>۱۶</sup> به حساب می آید. این وحدت جنسی تمامی خصوصیات وجود یک مرد را در بر می گیرد نمره این وحدت<sup>۱۷</sup> ممکن است فرزندی باشد که شاید دارای قدرت هایی حتی بالاتر از پدرش هم باشد. ممکن است مردی که دارای توانایی های بسیار بالایی

۱۱-سهدرین ۸۲ الف براساس ملاحظی ۲-۱۲-۱۱-رمبام هیلخوت ایسوری بی آ ۶-۱۲ ۱۲-بمیدبار ۲۵-۱۳-۱۲  
۱۳-بمیدبار ۲۵ ۱۲-۱۳ ۱۴-بمیدبار ۵-۱۷ ۱۵-راشی بمیدبار ۱۳-۲۵  
۱۶-رجوع شود به رشیت هوخما شعر هقدوشا ۱۶-۱۱ ۱۷-شاووعوت ۴۸ الف



اولا بدست شخص غیرت مند محول شده است

ثانیا: باید در همان زمان انجام عمل زنا صورت بگیرد و نه بعد از آن .

تفسیر راشی که می گوید پینحاس به قسمتهای زنانه و مردانه بدن آنها نیزه اش را فرو برد برای آنکه همه یسرائل ها ببینند که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است. در واقع اشاره به آن می کند که کشتن آنها زمانی صورت گرفته است که آنها در حال انجام عمل زنا بوده اند. و اگر آنها را در زمانی بعد از انجام عمل زنا می کشت عمل او برخلاف قانون بود. اما اگر اینگونه است پس چرا راشی بجای آنکه بصورت پیچیده و مبهم بگوید که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است بصورت ساده و واضح نمی گوید که برای آنکه همه یسرائل ها ببینند که او آنها را بر طبق قانون و توصیه قانون کشته است ؟

توضیح آن است که در بعضی مواقع بت دین می بایست دست به انجام مجازات گناهکارانی بزند که عمل آنها اثرات بد بر دیگران می گذارد. به عنوان مثال گناهکار در ۹ واقع سزاوار این گونه تنبیه نمی باشد ولی باید یک دیوار محافظتی بدور قوانین تورا کشید که برای دیگران درس عبرتی باشد و از آن قوانین سوء استفاده نکنند. این مورد پینحاس نیز چنین موردیست . جایی که مردان یسرائل به تعداد زیاد منحرف شده و در حال ایجاد روابط نامشروع با زنان غیر یهودی هستند . در یک چنین موردی پینحاس هم ممکن است محق و میرا اعلام بشود حتی اگر زیمیری را بعد از عمل زنایش به قتل میرسانید. اما اگر منطق پینحاس در قتل زیمیری گناهکار اینگونه می بود در اینصورت او را بدون علت واقعی و غیر عادلانه کشته بود. (یعنی بخاطر اثرات بد آن بر دیگران و نه بخاطر انجام خود عمل) . بنابراین راشی با این توضیح که می گوید بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است قصد دارد به ما بفهماند که پینحاس نه فقط در چهارچوب قانون تورا عمل کرده است بلکه زیمیری هم نه به عنوان یک درس و مثال برای دیگران بلکه بخاطر خود عمل گناه و زنا ، سزاوار مرگ بوده است . این مطلب به ما میرساند که راشی نیز خودش بر این عقیده بوده است که شخصی که با زنان هیتی زنا می کند سزاوار کشته شدن است .

### ۳- انجام عمل مجازات

اما هنوز این سؤال به قوت خود باقی است که اگر شخص گناهکار سزاوار مجازات مرگ است چرا این عمل کشتن او می بایست فقط بوسیله شخص غیرت مند انجام شود و آنهم فقط در زمان

۹-عقیده رمبام هیلخت سنهدرین ۴-۲۴ سنهدرین ۴۶ الف ۱۰- بمیدبار ۱-۲۵

توضیحات را میدهد آن است که تورا اشاره به جزئیات مجازات یک چنین شخصی می کند که می بایست اولاً بوسیله شخص غیرت مند انجام شود و ثانیاً فقط در زمان انجام این عمل و نه بعد از انجام آن صورت بگیرد .

ولی چرا تورا به این قانون فقط اشاره ای می کند؟ چرا تورا این قانون را بصورت واضح و مستقیم عنوان نمی کند و آنرا فقط بصورت ضمنی در ماجرای پینحاس عنوان می کند؟ در تلمود آمده است <sup>۵</sup> که اگر کسی بخواهد در مورد این قانون خاص تحقیق کند ما نمی بایست به او بگوئیم که اینگونه عمل کند چرا که این قانون بصورت واضح در تورا نوشته نشده است . در واقع بخاطر اینکه فقط بصورت ضمنی در تورا به آن اشاره ای شده است به ما می فهماند که ما نمی بایست آنرا به کسانی که جویای آن می باشند تعلیم بدهیم و توصیه کنیم .

### ۲- ناحیه انجام عمل خطا

در میان اولین مفسرین تورا درباره قانون شخصی که با زنان «هیتی» رابطه جنسی برقرار می کند تفاوت عقیده وجود دارد. این تفاوت عقیده در این است که آیا این قانون به شخص زناکار مربوط می شود و یا به شخص غیرت مندی که آنها را مجازات می کند؟  
عده ای از مفسرین معتقدند <sup>۶</sup> که از آنجا که بت دین نمی تواند دستور کشتن او را بدهد چرا که او محکوم به مرگ نیست پس به شخص غیرت مند دستور داده شده است که او را بکشد. و ادامه میدهند که چنانچه زیمیری حالت خوابیدن خود را عوض میکرد و از خود دفاع میکرد و پینحاس را می کشت او مجرم شناخته نمی شد <sup>۷</sup> . چرا که زیمیری محکوم به مرگ نشده بود و این پینحاس بوده است که خواهان کشتن او بوده و عمل زیمیری فقط یک دفاع از خود به حساب می آید.

اما در تلمود می گوید که چگونه است که خداوند عمل پینحاس و اینگونه اعمال غیرت مندی را محق و مجاز اعلام می کند ولی ما می بایست این شخص را یعنی پینحاس را مجرم اعلام بکنیم . از این مطلب تلمود اینگونه نتیجه می گیریم <sup>۸</sup> که زیمیری و تمام کسانی که با زنان هیتی (غیر یهودی) عمل زنا را انجام میدهند محکوم به مرگ هستند ولی این حکم با تمام احکام مرگ دیگر این تفاوت ها را دارد که انجام آن :

۵-سنهدرین ۸۲ الف ۶-رآن سنهدرین ۸۲ الف ۷-سنهدرین ۸۲ ب

۸-عقیده رمبام در سفر همیصوت ، شُرش ۳